

مجله مطالعات مدرن ترکی

جلد ۲۲، شماره ۳ (سپتامبر ۲۰۲۵)، صفحات ۵۵۰-۵۷۳ DOI:

۱۰.۵۸۷۸۵/۰۰۰۰۰.۲۲.۲۰۲۵.۳.۳۴

کپی رایت © دانشگاه آنکارا

دانشکده زبان و تاریخ-جغرافیای دانشگاه آنکارا

دپارتمان گویش‌ها و ادبیات معاصر ترکی

مقاله

صدای «ترکی» برخاسته از قشقای: عوض‌الله صفری کشکول‌لو و اشعار او

طالب دوغان

دانشگاه نجم‌الدین اربکان (قونیه)

چکیده

عوض‌الله صفری کشکول‌لو یکی از چهره‌های برجسته ادبیات معاصر قشقای است. او هم در قالب سنتی شعر سروده و هم قالب‌های شعری جدیدی را در ادبیات معاصر قشقای خلق کرده است.

عوض الله صفری کَشکول‌لو کتاب‌هایی در ژانرهای مختلف مانند ادبیات (شعر، داستان کوتاه)، تاریخ و پژوهش منتشر کرده است. با این حال، مشهورترین اثر او کتاب شعری با عنوان «یتیم یال» است که به زبان مادری خود سروده است.

عوض الله صفری کَشکول‌لو در اشعار خود عموماً به مضامین مربوط به هویت قشقایی و ترکی، مانند زبان، تاریخ، فرهنگ، میهن و مسائل اجتماعی-سیاسی می‌پردازد.

کلمات کلیدی

گویش‌های معاصر ترکی، قوم قشقایی، زبان ترکی قشقایی، ادبیات معاصر قشقایی.

ABSTRACT

Evezullah Seferî Keşkolli is one of the prominent members of contemporary Qashgai literature. He wrote both traditional forms of poetry and created new forms of poetry in contemporary Qashgai literature. Evezullah Seferî Keşkolli published books in various genres such as literature (poetry, short stories), history, and research. But his famous work is the book of poems called "Yettim Yal", written in his native language. Evezullah Seferî Keşkolli generally included themes such as language, history, culture, homeland, and sociopolitical issues related to Qashgai and Turkishness in his poems.

KEY WORDS

Contemporary Turkish dialects, Qashgais, Qashgai Turkish, Contemporary Qashgai Literature.

۱. قشقایی: هویت، تاریخ و جغرافیا

قشقایی‌ها یک جامعه ترک هستند که بخشی از آنها به صورت کوچ‌نشین و بخشی دیگر به صورت ساکن در مناطق مرکزی، جنوبی و جنوب غربی ایران زندگی می‌کنند. نام قشقایی در منابع ایرانی به صورت «قاشقای» و در منابع غربی به صورت qashqai ~ qashqay

~ kashkay ~ kashgay» آمده است.^۱ خود قشقایی‌ها و دیگر مردمان ساکن در منطقه، آنها را ترک نیز می‌نامند. قشقایی‌ها همچنین به زبان خود ترکی می‌گویند. قشقایی هم به عنوان یک نام سیاسی و اداری و هم به عنوان یک نام داخلی/خاص در میان ترک‌های ایران استفاده می‌شود. نام ترک، هویت واقعی آنها را تعریف می‌کند. در ترکی قشقایی، کلمه ترک همچنین به معنای "مردمی کوچ‌نشین که به دامداری مشغولند" است. در گویش‌های قشقایی، عبارت *türklüq-ed* به معنای «زندگی به عنوان کوچ‌نشین» وجود دارد. در این زمینه، عبارت *obalıq-ed* نیز به معنای «زندگی به عنوان کوچ‌نشین» وجود دارد.^۲ در میان قشقایی‌ها، جوامع غیر ترک (غیر ترک‌زبان)، از جمله عناصر فارسی، تات نامیده می‌شوند. نام تات همچنین به افراد غیر کوچ‌نشین، یعنی روستاییان یا ساکنان شهر، اشاره دارد.

اطلاعات مربوط به ریشه‌های قوم قشقایی، زمان ورود آنها به ایران، و دلایل و دوره‌های تاریخی اسکان آنها در مرکز و جنوب ایران - منطقه‌ای که امروزه در آن زندگی می‌کنند - در منابع کتبی و شفاهی متفاوت است. منابع مختلف ورود قشقایی‌ها به ایران را در دوره سلجوقیان (قرن یازدهم) یا زمان چنگیز خان (قرن سیزدهم) ثبت کرده‌اند. اسناد نشان می‌دهد که قوم قشقایی از مناطق جغرافیایی مختلفی از جمله مغولستان، ترکستان، قفقاز، آناطولی، سوریه و خلیجستان (منطقه‌ای در ایران که خلیج‌ها در آن ساکن هستند) به سرزمین مادری فعلی خود در ایران مهاجرت کرده‌اند. علاوه بر این، گفته می‌شود که آنها در زمان سلطنت حاکمانی مانند شاه اسماعیل (۱۵۲۴-۱۴۸۷)، شاه عباس (۱۶۲۹-۱۵۷۱) و نادرشاه (۱۷۴۷-۱۶۸۸) در مناطق فعلی خود اسکان داده شده‌اند.^۳ این ابهامات و سردرگمی‌ها تا حدودی ناشی از تفاوت در گویش‌های زبانی که به آن صحبت می‌کردند و رویکردهای

^۱ مردم قشقایی همچنین در فرهنگ عامه به خاطر منبع الهام بودن مدل قشقای/*Qashqai* اتومبیل سازی نیشان شناخته می‌شوند. نیشان نام قشقایی را به دلیل سبک زندگی عشایری، توانایی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردشان انتخاب کرد.

^۲ عبارات *Türklüg-ed* و *obalıq-ed* به معنای «زندگی به عنوان کوچ‌نشین» از مسلم رضایی‌عمله، که او نیز از ترکان قشقایی بود، ثبت و نوشته شده‌اند.

^۳ برای اطلاعات دقیق‌تر، به (۲۰۰۸: ۲۹۵) Heyet, Yaghoobi (۲۰۱۱: ۴-۱۴) مراجعه کنید.

سیاسی محققان به این موضوع است و این واقعیت که مردم قشقایی سال‌ها به سبک زندگی کوچ‌نشینی پایبند بوده‌اند و تا چند قرن اخیر هیچ منبع مکتوبی برای آنها وجود نداشته است.

واضح است که همه قبایل و طوایف امروزی در ابتدا نام قشقایی نداشته‌اند. به نظر می‌رسد که گروه‌های مختلف ترک در طول زمان با هم ادغام شده و به عنوان قشقایی پدید آمده‌اند. قشقایی به نام این جوامع و منطقه آنها تبدیل شده است. جای گرفتن جوامع ترک زبان مانند ایبوردی (بولووردی) در دوره‌های خاصی از تاریخ در منطقه قشقایی ثبت شده است. ایبوردی‌ها در زمان سلطنت نادرشاه (قرن هجدهم) از خراسان به منطقه قشقایی آورده شدند (Csató ۲۰۰۱: ۱۱۴). گفته شده است که برخی از خلیج‌ها نیز در میان قشقایی‌ها (طایفه عمله/آم‌له) زندگی می‌کردند (Heyet ۲۰۰۸: ۳۷۶). در این زمینه، همچنین مشخص است که با گذشت زمان، به دلایل سیاسی و اقتصادی، گروه‌هایی متعلق به قومیت‌های مختلف (مانند لرها، کردها و اعراب) به قلمرو قدرتمند قشقایی پیوستند. اگر از افکار متعصبانه و غیر علمی بگذریم، به گفته محققان، فاشقای‌ها بخشی از ترکان هستند. اختلاف نظرها بر سر این است که از کدام قبیله ترک هستند. در واقع مواجهه با ویژگی‌های ترکیبی با شاخه‌هایی مانند لهجه‌های خراسان، آذربایجان، ترکیه و ترکی خلیج در ترکی قشقایی نیز بر این وضعیت دلالت دارد.

قشقایی‌ها از نظر تاریخی شهروندان میهن‌پرست کشور خود بوده‌اند. یکی از نمونه‌های این امر، مقاومت آنها در برابر اشغال بریتانیا در طول جنگ جهانی اول است. بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰، تحت فرماندهی رهبرشان، صولت‌الدوله، قشقایی‌ها قهرمانانه برای آزادسازی استان فارس جنگیدند و نقش مهمی با تحمیل خسارات سنگین در مجبور کردن بریتانیا به عقب‌نشینی از خاک ایران ایفا کردند. با وجود همه اینها، متأسفانه قشقایی‌ها در نتیجه ایدئولوژی پان‌فارسی و سیاست‌های خارجی، در سرزمین مادری خود مورد بی‌عدالتی‌ها و ستم‌های مختلفی قرار گرفته‌اند. پس از جنگ جهانی اول، دهه ۱۹۳۰ دوران پرآشوبی برای قشقایی‌ها در رژیم پهلوی بود. سیاست تخته‌قاو که توسط پهلوی‌ها اجرا شد و مردم عشایر را مجبور به اسکان کرد، سختی‌های زیادی را برای قشقایی‌ها ایجاد کرد. رضاشاه پهلوی در پی برچیدن ساختار ایلی قشقایی‌ها بود و بسیاری از رهبران ایل و طایفه آنها را به اعدام، زندان و

تبعید محکوم کرد. در طول این سال‌ها، صولت‌الدوله نیز توسط رضاشاه پهلوی تحت فشار بریتانیا کشته شد. پس از سرنگونی دولت مصدق در کودتای مورد حمایت آمریکا در سال ۱۹۵۳ و به دنبال آن به سلطنت رسیدن محمدرضا شاه، سال‌های تاریک بار دیگر برای قشقایی‌ها آغاز شد. در نتیجه سیاست‌هایی که به ضرر مردم قشقایی بود، بسیاری (سران قشقایی و خانواده‌هایشان) کشور را ترک کردند و بسیاری دیگر در نبرد با نیروهای پهلوی جان باختند. اصلاحات ارضی که در این سال‌ها تحت عنوان انقلاب سفید اجرا شد، منجر به تضعیف قشقایی‌ها و سرنگونی نظام ایلی مستقر آنها شد. پس از تأسیس جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، رهبران برجسته قشقایی که مجبور به ترک ایران شده بودند، به وطن خود بازگشتند. این افراد با رهبران رژیم جدید ملاقات کردند و آمادگی خود را برای کمک به آنها ابراز داشتند. با این حال، این اجماع محقق نشد. در سال ۱۹۸۲، درگیری‌های خونینی بین نیروهای رژیم و قشقایی‌ها در حوالی شیراز و فیروزآباد رخ داد. در نتیجه، خان قشقایی (خسرو خان) هم در همان سال در فیروزآباد اعدام شد (Çelik ۲۰۱۴: ۲۷-۲۸).

قشقایی‌ها جنوبی‌ترین جامعه جهان ترک هستند. در ایران امروز، قشقایی‌ها به استان‌هایی چون فارس، اصفهان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، کوهرکیلو و بویراحمد، خوزستان، کرمان و هرمزگان گسترش یافته‌اند (دولتخواه ۱۳۹۵: ۴۶۰). ایل قشقایی در این منطقه وسیع، به سه قسمت تقسیم می‌شود که شیراز در مرکز آن قرار دارد: منطقه ییلاق قشقایی (مناطق شمالی شیراز)، منطقه قشلاق قشقایی (مناطق جنوبی شیراز) و بخش مرکزی (اطراف شیراز). قشقایی‌ها نیز به دلیل جنگ، تبعید، مهاجرت و سایر دلایل اجتماعی - اقتصادی از دوره صفویه تا امروز در مناطق ایران مانند خراسان، مازندران و تهران ساکن شدند. علاوه بر این، مهاجرت‌هایی نیز به کشورهای دیگر مانند آمریکا و انگلیس به دلایل مختلف صورت گرفته است.

از آنجایی که توزیع‌های قومیتی در آمار رسمی ایران منعکس نشده است، به نظر نمی‌رسد که بتوان از جمعیت واقعی قشقایی‌ها مطلع شد. این یک واقعیت است که رویکرد دولت ایران برای پوشاندن هویت‌های قومیتی نیز در این امر مؤثر است. تعداد نفوس قشقایی‌ها در منابع غیررسمی متناقض است زیرا بر اساس برآوردها یا مشاهدات است. یکی

دیگر از دلایلی که دستیابی به عدد واقعی را سخت می کند این است که اکثر قشقای ها امروز یکجانشین شده اند. در واقع، داده های ارائه شده در منابع اخیر نیز به این مشکل اشاره دارند. تعداد قشقای ها در بوشوتن/ Boeschoten ۵۷۰۰۰ نفر (۱۹۹۸: ۱۵-۱)، در دولتخواه بین ۱,۵۰۰,۰۰۰ تا ۲,۰۰۰,۰۰۰ نفر (۲۰۱۰: ۱۰۸)، در آل بایراک بین ۲,۰۰۰,۰۰۰ تا ۲,۵۰۰,۰۰۰ نفر (۲۰۱۳: ۹۸۱-۹۸۰) و تقریباً ۴,۵۰۰,۰۰۰ نفر در آتایزی (۲۰۱۷: ۴۵)، از جمله قشقای های ساکن خارج از کشور، داده شده است. در یک پایان نامه دکترای که اخیراً ارائه شده، تخمین زده شده است که این تعداد همراه یا کسانی که در گذشته در مناطقی مانند اصفهان، چهارمحال و خوزستان ساکن شده اند، بیش از ۴,۰۰۰,۰۰۰ نفر است (رضایی عمله ۲۰۲۳: ۱۱).

قشقای ها دارای یک سیستم قشربندی و طایفه ای منحصر به فرد هستند. ساختار و رهبران این قشربندی، از بزرگترین تا کوچکترین، به شرح زیر است: ایل (رهبر): ائلخان "ilxan"؛ معاون: ائل بی "ilbeyi"، طایفه / tayfa (رهبر: کلانتر)، تیره (رهبر: کیها ~ کتخدا "مباشر/پیشکار"، بونکو/ bunku (رهبر: آق ساقال)، به یله bəylə ~ اوجاق ocak (رهبر: آق ساقال)، اویا (خانواده وسیع oba) ~ ایولی evli (خانواده، خانوار) (رهبر: بابا، خانواده) (نگاه کنید به: ۴۶-۴۷: ۲۰۲۳: Rezaiafemaleh). قشربندی اجتماعی در میان قشقای ها در درجه اول از طریق خانواده و بر اساس پیوندهای خونی حفظ می شود. با این حال، قدرت اجتماعی و اقتصادی نیز در این سیستم نقش دارد. این سیستم که رد پای قوی از نظم اجتماعی و اداری قدیمی ترکی را در خود جای داده است، یک ویژگی بسیار مهم و تعیین کننده برای قشقای ها است. در واقع، قشقای ها برای شناخت یکدیگر از یکدیگر سوال «نه قارایانگ؟ (nağarayan (< ne "ne" + qara "boy" + -(y)an) از کدام قبیله هستید؟»^۴ را می پرسند.

خان ها (ایلخان ها) در رأس منطقه قشقای، سال های زیادی به عنوان حاکمان منطقه ای فیروزآباد و فراش آباد^۱ در نظر گرفته می شدند؛ آن ها عنوان ایلخان مملکت فارس را داشتند. این عنوان به خان های قشقای کنترل زیادی بر منطقه می داد و آن ها را به مقام بوروکرات های

^۴ این گفته از مسلم رضایی عمله که خود نیز ترک قشقای بود، ثبت و مکتوب شده است.

دولتی ارتقا می‌داد. قشقایی‌ها تا همین اواخر با حساسیت سیستم اداری سنتی خود را حفظ کردند (Çelik and Durukoğlu ۲۰۱۶: ۲۱). امروزه، شش ایل بزرگ و صدها طایفه وابسته به آنها در منطقه قشقایی وجود دارد. این شش ایل بزرگ عبارتند از: ایل عمله^۵، ایل بؤیوک کشکوللو، ایل کیچیک کشکوللو، ایل دره شورلو، ایل شش بیگلی و ایل فارسی‌مدان^۵. در حال حاضر، نظام اداری سنتی (اثر بیرلیگی/اتحاد ایل) قشقایی‌ها از هم پاشیده و نظم اجتماعی آنها فروپاشیده است. اگرچه بخش کوچکی از جمعیت قشقایی همچنان عشایری هستند، اکثریت باقی مانده در منطقه وسیعی که استان‌های زیادی را در بر می‌گیرد، زندگی مستقر را در پیش گرفته‌اند. این تحولات متأسفانه به روندی تبدیل شده است که در آن زبان و فرهنگ قشقایی به ویژه در چنگال پارسی‌گرایی دچار انحطاط شده و در شرف فراموشی است.

۲. ترکی قشقایی

ترکی قشقایی به گروه‌گوشی عناصر ترکی (قبایل و طوایف) منطقه قشقایی اشاره دارد که در استان‌هایی مانند فارس، اصفهان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، کرمان و هرمزگان در ایران امروزی پراکنده است. اولین مطالعات زبان‌شناسی در مورد ترکی قشقایی توسط محققان خارجی مانند روماسکویچ (۱۹۲۵)، اشتاین (۱۹۳۵)، کوالسکی (۱۹۳۷)، جارینگک (۱۹۴۰) و منگس (۱۹۵۱) انجام شد (به دوغان ۲۰۲۰ مراجعه کنید). چنین مطالعاتی، به ویژه از دهه ۱۹۹۰، چه در خارج از کشور و چه در ترکیه، عمدتاً از طریق پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی، شتاب بیشتری گرفته‌اند. در برخی از مطالعاتی که زبان ترکی یا گویش‌های گروه اوغوز را طبقه‌بندی کرده‌اند، ترکی قاشقایی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. در اینگونه مطالعات و هم در دیگر مطالعات در مورد ترکی قاشقایی، اطلاعات به شرح زیر خلاصه می‌شود: اول از همه، قابل توجه است که در مطالعات قبلی، منگر (۱۹۵۱) ترکی قاشقایی را نزدیک به ترکی ترکیه در گروه اوغوز ثبت

^۵ تعداد تقسیمات بر اساس طایفه و تیره در منطقه قشقایی ممکن است بسته به منبع متفاوت باشد.

کرده است. بعدها، در مطالعات آغازین مانند Caferoğlu و Doerfer (۱۹۵۹: ۲۸۱) و Heyet (۲۰۰۸: ۲۹۵)، ترکی قاشقایی به عنوان گویش ترکی آذربایجانی دیده می‌شود.

تکین و اوّلmez (۲۰۰۳: ۱۴۵، ۱۵۲) نیز رویکرد مشابهی دارند. در این مطالعه، که ترکی اوغوز بر اساس فعل ترکی qāmaq- «ماندن» (بر اساس جایگاه مصوت بلند اصلی با صامت /q/ طبقه‌بندی می‌شود، ترکی قشقای در زیر گروه qal- به همراه ترکی آذربایجانی، گویش تبریز، گویش‌های کرکوک و اربیل و گویش‌های آناتولی شرقی ارائه شده است. علاوه بر این، این زبان به همراه گویش‌های افشار در نواحی افغانستان/کابل، در میان گویش‌های آذربایجانی گنجانده شده است:

۱. kāl/kaal (کآل)- زیر گروه: لهجه‌های اوغوز خوارزم.

۲. gāl (غال)- زیر گروه: ترکی ترکمنی، گویش تروهمن، ⁱⁱⁱ ترکی خراسانی.

۳. qal- زیر گروه: ترکی آذربایجانی، ترکی قشقای و عینالو، گویش تبریزی، لهجه کرکوک و اربیلی، لهجه آناتولی شرقی.

۴. kal/ kāl- زیر گروه: ترکی ترکیه، ترکی گاکاوسی (، ۱۴۵: ۲۰۰۳ Tekin and Ölmez). (۱۵۲)

دوئرفر (۱۹۸۷: ۲۴۲-۲۵۱) بعداً جدول طبقه‌بندی متفاوتی را بر اساس نتایج مطالعات خود با تمرکز بر گویش‌های ترکی در ایران ارائه داد. او به ویژه تأکید کرد که اوغوز جنوبی، از جمله ترکی قشقای، نمی‌تواند به عنوان گویش‌های ترکی آذربایجانی نشان داده شود و یک جغرافیای زبانی جداگانه بر اساس ترکی اوغوز وجود دارد. در جدول مورد بحث، جایگاه ترکی آذربایجانی، خراسانی و قشقای در گروه اوغوز تغییر کرده است:

۱. اوغوز غربی: ترکی (شامل ترکی گاکاوسی و ترکی عثمانی کریمه).

۲. اوغوز مرکزی: ترکی آذربایجانی.

۳. اوغوز جنوبی: گویش‌هایی که تا قزوین امتداد دارند (گویش‌های نوع قشقای).

۴. اوغوز شمال شرقی: ترکی خراسانی (شامل اوغوز ازبکی).

۵. اوغوز شمال غربی: ترکی ترکمنی.

یوهانسون (۱۹۹۸: ۸۳) ترکی اوغوز (شاخه جنوب غربی) را به سه زیرگروه تقسیم کرد. ترکی قشقایی نیز در این طبقه‌بندی در گروه اوغوز جنوبی قرار دارد. در اینجا، گروه اوغوز جنوبی مشابه جغرافیای زبانی شکل گرفته توسط دورفر است:

۱. GBB: گروه اوغوز غربی (ترکی ترکیه، ترکی گاکائوزی و ترکی آذربایجانی).

۲. GBD: گروه اوغوز شرقی (ترکی ترکمنی و ترکی خراسانی).

۳. GBG: گروه اوغوز جنوبی (گویش‌های قشقایی، سونگور و آینالو که در ایران رایج هستند و گویش‌های افشار در افغانستان).

در آخرین مطالعه طبقه‌بندی یوهانسون، زیرگروه‌های ترکی اوغوز بدون تغییر باقی ماندند، اما گروه اوغوز جنوبی گسترش یافته و شامل گویش‌های آذربایجان جنوبی، گویش‌های ترکی عراقی و گویش‌های آناتولی جنوب شرقی شد (۲۰۲۱: ۵۴-۵۳).

آلیشیک (۲۰۰۲: ۲۴۳-۲۲۷) ترکی آذربایجان جنوبی را در هفت گروه گویشی، از جمله ترکی قشقایی، گروه‌بندی کرده است.

۱. لهجه‌های شمال غربی: تبریز، ارومیه.

۲. قشقایی.

۳. آینالو.

۴. سونگور.

۵. قم.

۶. گویش افشار کابل.

۷. گویش شمال عراق.

در برخی مطالعات اخیر مانند مطالعات گؤک داغ (۲۰۰۶: ۳۵)، آتایزی (۲۰۱۷: ۵۳) و در نهایت ارجیلاسون (۲۰۲۰: ۴)، ترکی قشقایی به عنوان گویشی از ترکی آذربایجانی ثبت شده است. در مطالعه چلیک (۲۰۲۰: ۸)، ترکی قشقایی، به گفته خودش، در ترکی اوغوز غربی می‌گنجد.

با این حال، گویش ترکی قشقایی، بر اساس معیارهای مشخصی برای اعضای گروه اوغوز، با نوع گویش آذربایجانی متفاوت است و در دایره گویش خراسانی یا ترکی ترکیه قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، ماندگاری صامت $i^v/\eta/$ در پسوندها و کلمات در لهجه‌های ترکی قشقایی، آوای /گ/ یا /ق/ در آخر اسم‌های چند هجایی، اشکال پسوندهای شخصی مشتق از ضمائر، پسوند $-AyIn^v$ ، پسوندهای منفی زمان حال، جدول صرف درخواست vi ، پسوند فعل قیدی $^{vi} -An\dot{c}A(z)$ و غیره از ویژگی‌های مشترک با ترکی خراسانی (گویش بجنورد) است. از سوی دیگر، پسوند حالت مفعولی $^{viii} -X(y)$ ، پسوند زمان حال $^{vi} -yor(X)$ $^{ix} -Ayor$ ، جدول صرف زمان گذشته نقلی x (وجود $-mX\dot{s}$ در همه اشخاص)، وجود پسوند $-IAr$ در پسوند زمان اول افعال مرکب xi ، ساختار منفی توانشی $^{xii} -AmA(y)$ ، عملکرد پسوند وصفی $^{xiii} -dXK$ به عنوان اسم عمل؛ و کلماتی مانند $egmeg$ /اکمک «کاشتن»، bul «یافتن»، $düs$ «افتادن»، $dön$ «برگشتن» و $qonuş$ «صحبت کردن» نیز معیارهایی هستند که آن را به حوزه زبان ترکی در ترکیه (زبان نوشتاری و گویش‌های گروه غربی) مرتبط می‌کنند (برای اطلاعات دقیق به Doğan ۲۰۲۲ مراجعه کنید). بنابراین، منطقی به نظر نمی‌رسد که ترکی قشقایی را لهجه‌ای از ترکی آذربایجانی یا لهجه‌ی دیگری از اوغوز بدانیم. ترکی قشقایی به همراه سایر لهجه‌هایی که در آن مشترک هستند، گروهی جداگانه را تشکیل می‌دهند. همانطور که دوئرفر (۲۰۰۶: ۹۵-۹۳) اشاره می‌کند، ترکی قشقایی را باید در شاخه‌ی جنوبی ترکی اوغوز قرار داد. البته این پدیده به دلیل ویژگی‌های زبانی ترکی قشقایی و قرارگیری آن در منطقه اوغوز پدیدار شده است. ترکی قشقایی به طور طبیعی برخی ویژگی‌ها مشترک را با سایر گویش‌های اوغوز دارد. برخی از این یکسانی‌ها، ویژگی‌های مشترک اوغوز هستند، برخی ویژگی‌هایی هستند که ناشی از پیوندها یا تقاطع‌های تاریخی هستند و برخی ویژگی‌هایی هستند که به ویژه در نتیجه روابط همزیستی در ایران شکل گرفته‌اند (به Doğan ۲۰۲۲ مراجعه کنید).

در سال‌های اخیر، پایان‌نامه‌های دکتری که کل حوزه ترکی قشقایی را (تا حد امکان) پوشش می‌دهند، تهیه شده‌اند. این پایان‌نامه‌ها حوزه‌های گویشی (گروه‌های) ترکی قشقایی را مورد بحث قرار داده‌اند. یعقوبی (۲۰۲۳: ۱۰۱-۱۰۷) مستقیماً ترکی قشقایی را تحت شش قبیله (طایفه) اصلی دسته‌بندی کرده است: گویش عمّله، گویش شش بیگلی، گویش دره‌شورلو، گویش فارسی‌مدان، گویش بؤیوک کشکوللو و گویش کیچیک کشکوللو. رضایی عمّله (۲۰۲۳: ۲۴۶-۲۵۴)، بر اساس ویژگی‌های زبانی، هفت گروه گویشی را در ترکی قشقایی شناسایی کرد: ۱. گروه (گویش‌های قبایل عمّله، دره‌شورلو، کشکوللو و بوللو)؛ ۲. گروه (گویش شش بیگلی)؛ ۳. گروه (گویش گله‌زن)؛ ۴. گروه (گویش‌های ایغدیر، نمدی و بیات)؛ ۵. گروه (گویش قاراقانلی)؛ ۶. گروه (گویش‌های فارسی‌مدان، موصوللو و بیگدیلی)؛ ۷. گروه (گویش بول‌وئردی).

امروزه، اکثر مردم قشقایی دوزبانه هستند و به زبان مادری و فارسی صحبت می‌کنند. ترکی قشقایی جزو زبان‌های در معرض خطر است، اما تا انقراض فاصله زیادی دارد (دولتخواه، ۱۳۹۵: ۴۶۸). در حال حاضر، هم شاخص‌های زبان‌شناسی اجتماعی و هم فعالیت‌های انجام‌شده به نفع ترکی قشقایی به این موضوع اشاره دارند. به‌ویژه، افزایش فعالیت‌های انتشاراتی به زبان مادری (آثار ادبی، فرهنگ لغت، مطبوعات و غیره) در سال‌های اخیر و فضایی که نسل جوان برای ترکی قشقایی در اینترنت ایجاد کرده است، در این زمینه قابل توجه و امیدوارکننده است.

به دلایلی مانند فقدان جایگاه قانونی و هرگونه حمایت نهادی، و نبود یک گونه‌ی فراگویشی معتبر، نمی‌توان از یک زبان نوشتاری استاندارد برای ترکی قشقایی صحبت کرد. با این حال، قشقایی‌ها امروزه آثار مکتوب تولید می‌کنند. در انتشارات اخیر، از الفبای مبتنی بر عربی که در ایران معتبر و غالب است، استفاده شده است. البته، هیچ استانداردِ در به کاربردن الفبای این متون وجود ندارد. علاوه بر این، نویسندگان در نوشته‌های خود به اشکال مختلف پالایش زبانی نیز متوسل شده‌اند. از دهه ۲۰۰۰ به‌ویژه، مردم قشقایی به نوشتن زبان خود با استفاده از الفبای مبتنی بر لاتین نیز روی آورده‌اند. اولین نمونه از این روند، اثری با عنوان «مادون قشقایی شعیرلری»/Mêzun Qaşqayı Şi'irleri (اشعار فارغ‌التحصیلان قشقایی)

است که در سال ۲۰۱۵ توسط جعفر عیوضی یادیکوری / Cefer Eyvezi Yadikuri / در شیراز منتشر شد. هدف از استفاده از این الفبا، تسهیل انتشار و خواندن اثر در آذربایجان و ترکیه بود. اسدالله مردانی، زبان‌شناس مشهور قشقایی، پیشگفتاری بر این کتاب نوشت و از این ابتکار ابراز قدردانی کرد. در این کتاب که اولین استفاده از الفبای لاتین است، حروف الفبای ترکی در کنار حروفی مانند ɛ (برای آ)، η (برای n کامی)، q (برای ق)، x (برای خ) و w (برای v لبی) استفاده شده‌اند. طبق اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع شفاهی، به نظر می‌رسد استفاده از الفبای لاتین برای نوشتن ترکی قشقایی به مرور زمان رواج پیدا کند. از این نظر، در میان روشنفکران قشقایی تمایلی به اتخاذ الفبای لاتین مورد استفاده برای ترکی آذربایجانی یا ترکی به عنوان الگو وجود دارد.

۵. نگاهی اجمالی به ادبیات قشقایی

قشقایی‌ها، در حال و هوای سبک زندگی عشایری خود که قرن‌ها آن را حفظ کرده‌اند، دارای ادبیات شفاهی غنی هستند. ژانرهای ادبی شفاهی به حاملان فرهنگ، روح و اسرار قشقایی تبدیل شده‌اند. داستان‌های حماسی قهرمانی و عشق، داستان‌های عامیانه و ضرب‌المثل‌ها منابع اصلی ادبیات شفاهی در میان قشقایی‌ها هستند. به عنوان مثال، حماسه کور اوغلو، عنصر وحدت‌بخش جهان ترک، بسیار گسترده است. علاوه بر حماسه‌های عاشقانه مانند اصلی کرم، غریب صنم و ماحمود نیکار، حماسه‌هایی منحصر به فرد قشقایی نیز وجود دارد، مانند آخساق جیران، یوللو ایله یولسوز قارداش لر، آلا دئو، سیدی خان، مهر خاور، آلی داشاکلی، و «چیرکین قیز» و «گوزله قیز» (رضایی عمده ۱۳۹۵: ۲۳) از این زمره‌اند.

از سوی دیگر، به دلیل سبک زندگی کوچ‌نشینی، مردم قشقایی سنت ادبی مکتوب به اندازه کافی توسعه‌یافته‌ای را توسعه نداده‌اند. در این زمینه، باید به طور خاص از مازون و یوسف علی بیگ به عنوان شاعران برجسته در ادبیات قشقایی نام برد. هر دو شاعر، در حالی که بخشی از جهان قشقایی هستند، نمایندگان سنت ادبی کلاسیک نیز هستند. به ویژه در اشعار مازون، می‌توان ردپای مکاتبی مانند یونس امره، احمد یسوی، نوایی و فضولی را

مشاهده کرد. اثری با عنوان «قشقای شعی یا آثار شعرای قشقای» نیز که آثار شاعران قرن نوزدهم را در ژانرهای شعر کلاسیک و عامیانه گردآوری کرده است، از منظر ادبیات قشقای ارزشمند است. این اثر توسط شهباز شهبازی طی سال‌ها تلاش برای گردآوری خلق شده است (به یعقوبی ۲۰۱۱ مراجعه کنید). در این اثر، اشعاری از شاعران مهم قشقای مانند ماذون، یوسف علی بیگ، خسرو بیگ، محمد ابراهیم، قول اوروج، بایاتلی حسین علی بیگ، رحیملی نعمت الله بیگ و شایلی علی گردآوری شده و از فراموشی نجات یافته است.

در منابع مربوطه، اسامی نمایندگان ادبیات معاصر قشقای مانند: طهماس شقاقی بوللو، داوود حسن آغالی، تیمور گوردانی بول‌وئردی، منصور شاه محمدی مهترخانا، همراه دانشور کوهبا، علی اکبر حسنی طبیلی، اعظم امیر تیموری گورکانی، جهانگیر جمعه بزرگی، خلیل محمدی کشکوللو، علیرضا شهبازی بوربور، پیران مختاری چیگینی، مارال رضایی رحیمی، عوض الله صغری کشکوللو، ارسلان میرزایی طبیلی، کامبیز نجفی چوبان‌قارا، بهمن مرادی علمدارلی، نوذر استوار دره شورلو، آرمان فرهنگ شورباخلی، علی فریدونی کوله‌لی، کاوه ایروانی اوخچولو، فتانه مرادی قره قانلو، فاتره کاظمی کوررانی، صغری مرادی، دومان اژدری بول‌وئردی، پریچهر محمد زاده کادیلی بوربور، سحر کشکوللو، طیه کریمی جفیلی (رضای عمه ۱۳۹۵: ۲۳؛ دولت آبادی ۲۰۱۷: ۱۴۴-۳۴۱) ثبت شده است. این نام‌ها در حوزه ادبی بیشتر به خاطر اشعارشان شناخته شده‌اند. بر اساس اطلاعاتی که از منطقه جمع‌آوری کرده‌ایم، شاعران معاصر هم در قالب‌های شعر کلاسیک و هم در شعر مدرن با استفاده از قافیه آزاد شعر می‌گویند.

در ادبیات قشقای، ژانرهایی مانند داستان کوتاه و رمان کم هستند.^۶ برخی از این آثار توسط نویسندگان قشقای به زبان فارسی نوشته شده‌اند. این آثار عموماً به زندگی کوچ‌نشینی قوم قشقای می‌پردازند. نمونه‌هایی از این ژانرها عبارتند از «منیم ایلیم، منیم سوبام»/«اجاق

^۶ در مورد مردم قشقای، باید به رمان «قوتلو توره» نوشته آلپ‌آر آک‌سوی (۱۹۸۷) در ترکیه اشاره کرد.

این رمان حول موضوعاتی مانند مبارزه مردم قشقای علیه اقدامات پان‌فارسی و اشغال سرزمینشان توسط بریتانیایی‌ها در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن و وفاداری آنها به اصالت، آزادی و سنت‌هایشان، بافته شده است.

من، ایل من» و «به اجاقت قسم» اثر محمد بهمن بیگی (۱۹۹۰، ۲۰۰۰)، «شبهای ایل» اثر سهراب حاتمی بهمن بیگی (۲۰۰۵) و «افسانه‌ها و قصه‌های ایل قشقایی» اثر منوچهر کیانی (۲۰۰۵) (دولت آبادی ۲۰۱۷: ۱۰۹). جدا از این، اولین مجموعه داستان (و اولین اثر مکتوب غیر از شعر) که به زبان ترکی قشقایی نوشته شده است، آلینجاق اولدوزو/ «ستاره سرنوشت» اثر فتانه مرادی قاراخانی (۲۰۰۸) است. بعدها، مجموعه داستان «قوش لارا داش آتان اوغلان» اثر راضیه کاظمی کرانی (۲۰۱۲) نیز منتشر شده است. همچنین باید به ترجمه عیسی رحمانی (دوغانلی) (۲۰۱۸) با عنوان «کومبوجا پاشا» توجه داشت. این اثر بر اساس ترجمه آنتوان دو سنت اگزوپری از داستان «شازده کوچولو» اثر لئون ورت است. رحمانی (دوغانلی) در این اثر، دو گونه برای ترکی قشقایی که درباره‌اش نوشته است، ارائه می‌دهد: یک گونه استاندارد و یک گونه محلی. گونه استاندارد قشقایی با واژگانی با ریشه ترکی؛ گونه محلی با واژگانی که از زبان‌های دیگر مانند فارسی و عربی قرض گرفته شده‌اند. کتاب داستان کومبوجا پاشا نیز توسط آتیچی (۲۰۲۱) در ترکیه به ترکی ترجمه شده است. مهر خاور-ماه مغرب به ترکی قشقایی، یکی از محصولات ادبیات شفاهی در میان قشقایی‌ها، توسط صغری مرادی کشکول‌لو (۲۰۰۹) به نثر و نظم نوشته شده است. در نهایت، باید به رمان یاساق سئودا^v «عشق ممنوعه» که به زبان مادری توسط داوود حسن آقایی کشکول‌لو نوشته شده است، قابل ذکرند. نویسنده در طرح این رمان، قصد دارد زندگی سنتی قشقایی‌ها را به تصویر بکشد.

۴. عوض الله صفری کشکول‌لو: زندگی و مضامین اشعار او

عوض الله صفری کشکول‌لودر آوریل ۱۹۶۹ در منطقه هنگام در قیر و کارزین^{xi v}، که قشلاق قوم قشقایی محسوب می‌شود، متولد شد. او تحصیلات خود را در مدرسه‌ای متعلق به

^v این رمان هنوز توسط هیچ انتشاراتی منتشر نشده است، بنابراین جزئیات انتشار آن قابل ارائه نیست. اطلاعات مربوط به انتشار و محتوای رمان از منابع شفاهی در منطقه به دست آمده است.

طایفه کشکول‌لو، یکی از مدارس عشایری، آغاز کرد. دوره متوسطه را در مدرسه ابوالکثر و در روستای جایدشت در نزدیکی شهر فیروزآباد گذراند. در سال ۱۹۸۲، در سن ۱۳ سالگی، داوطلبانه در جنگ ایران و عراق شرکت کرد و یک سال را در خطوط مقدم گذراند. پس از آن، عوض الله بیگ در یک مدرسه تربیت معلم در فیروزآباد شروع به تحصیل کرد و تحصیلات خود را در رشته علوم اجتماعی به پایان رساند. عوض الله صفری کشکول‌لو با دختر عمویش ازدواج کرد و صاحب دختری به نام سونا شدند. عوض الله بیگ در ابتدا می‌خواست نام دخترش را آسنا بگذارد، اما این نام مورد قبول مقامات رسمی ایران قرار نگرفت و ثبت نشد. عوض الله بیگ در حال حاضر با خانواده‌اش در شیراز زندگی می‌کند.

عوض الله صفری کشکول‌لو نه تنها با اشعار خود در قالب‌های سنتی، بلکه به عنوان پیشگام یک جنبش ادبی با خلق قالب‌های شعری جدید، ردپای خود را بر ادبیات معاصر قشقایی به جا گذاشته است. او این کار را بدون گسستن از سنت ادبی قشقایی انجام داده و از این نظر، در میان شاعران معاصر خود مورد تقدیر و قالب‌های شعری جدید او نیز مورد استقبال آنها قرار گرفته است.

عوض الله صفری کشکول‌لو در ژانرهای مختلف از جمله ادبیات (شعر، داستان کوتاه)، تاریخ و پژوهش کتاب نوشته است. با این حال، باید توجه داشت که مشهورترین اثر او مجموعه اشعارش با عنوان «یتیم یال» است. کتاب‌های منتشر شده این شاعر به شرح زیر است:

۱. (۲۰۰۴). تولد در آتش، ماجرای شکنجه و اعدام بهمن بهادری قشقایی توسط درخیمان شاه، انتشارات کیان‌نشر، شیراز.
۲. (۲۰۱۰). سامی، کلانتر هنرمند. نگاهی به زندگی حاج موسی خان کشکول‌لو، انتشارات کیان‌نشر، شیراز.

۳. (۲۰۱۰). یتیم یال (تپه یتیم)، انتشارات هماره، شیراز.

۴. (۲۰۱۴) دیوان اشعار اعظم امیر تیموری، انتشارات نامه پارسی، شیراز

۵. (۲۰۱۴). ۵. (۲۰۱۷). ماهی نقره‌ایی انتشارات یاشیل آلمان، شیراز.

عوض الله صفری کشکول‌لوه‌مچنان به تهیه آثاری در موضوعاتی مانند قرآن به زبان شعر، ترکان اوغوز، نقش زنان در قوم قشقایی و فرهنگ لغت قالی ادامه می‌دهد.

از جمله آثار عوض الله صفری کشکول‌لو، مجموعه شعر او با عنوان «یتیم یال» است که در سال ۲۰۱۰ در شیراز منتشر شد.^۸ این کتاب که شامل ۳۱۹ صفحه است، دارای عناوین «یتیم یال» و «نگاهی به ریشه‌های شعر و ادبیات در زبان ترکی» است که به خط عربی روی جلد و به خط لاتین پشت جلد نوشته شده است. نام شاعر روی جلد عربی به صورت عوض الله صفری کشکول‌لو (کوچنده) و پشت جلد لاتین *Evezullah Seferi Keşkolli (Kuçende)* نوشته شده است. کلمه «kuçende» به معنای «مهاجر» که در کنار نام شاعر نوشته شده است، تخلص عوض الله صفری کشکول‌لو است که در اشعار او استفاده شده است.^۹ علاوه بر این، یک دوبیتی فارسی و یک شعر کوتاه ترکی از شاعر در پشت جلد گنجانده شده است.

بخش مقدماتی کتاب «یتیم یال» شامل ارزیابی‌هایی از اشعار عوض الله صفری کشکول‌لو توسط برخی از شاعران معاصر قشقایی است (۲۰۱۰: ۷-۲۹). این ارزیابی‌ها عموماً بر نوآوری‌هایی که شاعر به شعر قشقایی آورده است، تمرکز دارد. این بخش شامل نوشته‌هایی از شاعران داریوش خان بهادری، محمود نادری دره شوری، منصور شاه محمدی، دکتر نادر عبداللہی، ارسلان میرزایی و کاوه ایروانی کشکولی است. این شاعران، به استثنای ارسلان میرزایی، نظرات خود را در این بخش، به فارسی نوشته‌اند. پس از آن، بخشی به زبان فارسی توسط عوض الله صفری کشکول‌لو با عنوان «بدون تعارف» (۲۰۱۰: ۳۱-۳۴) نوشته شده است. در اینجا، شاعر احساسات و افکار خود را نسبت به قوم خود، قشقایی‌ها، بیان

^۸ کتاب «یتیم یال» موضوع یک مطالعه علمی توسط طالب دوغان (۲۰۲۰) در ترکیه است. در این مطالعه، اشعار به الفبای آوانگاری و به ترکی آوانویسی شده‌اند. علاوه بر این، دستور زبان ترکی قشقایی بر اساس متون آوانگاری شده تدوین شده است. این مطالعه برای کسب اطلاعات در مورد زندگی و آثار عزالله صفری کشکول‌لو مورد استفاده قرار گرفته است.

^۹ «کوچنده» به فارسی از «کوچیدن» + «ende» (پسوندی که از صفت حالت فاعلی می‌سازد)؛ فارسی «کوچیدن» از فعل ترکی «کوچمک» است.

می‌کند. او اظهار می‌دارد که همیشه به هویت، ارزش‌هایی که دارند و برتری آنها افتخار کرده است. او قشقای‌ها را نصیحت می‌کند که رخوت خود را کنار بگذارند، به خود بیایند و دوباره متحد شوند.

فصل بعدی کتاب به زبان ترکی قشقای نوشته شده است. در فصل مقدماتی، عوض‌الله صفری کشکول‌لو اطلاعاتی در مورد شعر قشقای ارائه می‌دهد. در این چارچوب، او قالب‌های شعری کلاسیک مورد استفاده در شعر قشقای، مانند آساناق، گیرایی، قوشما، دیوانی، شاه‌ختایی، بشلیک، ائسی آساناق، آرتی گیرایی، ائسی قوشما، آرتی قوشما، ائسی دیوانی، آغجا قوشما و ینگ قوشما، و همچنین قالب‌های شعری جدیدی که خود خلق کرده است را توضیح می‌دهد. او همچنین قالب‌های ساختاری اشعار خود را شرح می‌دهد.

یکی دیگر از جنبه‌های منحصر به فرد عوض‌الله صفری کشکول‌لو، موضع طرفدار ترک اوست. این ویژگی در خلق معادل‌های ترکی برای برخی از اصطلاحات ادبی مشهود است. اصطلاحات زیر در آثار عوض‌الله بیگ دیده می‌شوند: آرخاب (قافیه)، دوزوم/düzüm (بیت)، تای دوزوم/taydüzüm (مصراع)، دوزگو/düzgü (ردیف)، باش دوزوم/başdüzüm (مطلع)، سون دوزوم/sondüzüm (مقطع)، بای دوزوم/baydüzüm (شاه بیت) (۲۰۱۰: ۳۵-۶۸). ۱۰ بخش‌های بعدی کتاب به اشعار شاعر تعلق دارد. در این کتاب، اشعار بر اساس اشکال آساناق، گیرایی و غیره ارائه شده‌اند (۲۰۱۰: ۶۸-۳۱۹).^{۱۰} عنوان کتاب برگرفته از یتیم یال، تپه‌ای واقع در جنوب فیروزآباد، در قشلاق ایل کشکول‌لو. در میان قشقای‌ها، تپه‌های دورافتاده و بی‌درخت، یتیم یال نامیده می‌شوند. شعر یتیم یال که عنوان کتاب را به خود گرفته و در مصراع‌های پنج سطری (۳۲ قطعه) سروده شده است، با

^{۱۰} شاعر خاطر نشان کرده که اصطلاح «آرخاج/ arxac» را از واژگان فرش‌بافی قشقای گرفته است. همچنین اظهار داشته که نادری دره‌شورلو اولین کسی بود که اصطلاح «دوزگو/düzgü» را در ادبیات قشقای به کار برده است.

الگوبرداری از شعر «سلام بر حیدر بابا» اثر محمد حسین شهریار سروده شده است. به همین ترتیب، عوض الله صفری کشکول‌لوشعر خود را با گفتگو با تپه‌ای به نام یتیم یال خلق کرده است. در واقع، برخی از عبارات در این شعر یادآور «حیدر بابایا سلام» است.

قره قیش لر، باشیمیزدان گئچنده،

دورنا، گؤیده صف باغلاب، اوچنده،

یتیم یالیم، ائیناغ(شانلی) ائل لر کؤچنده،

هر نه دوشمه گؤزه‌ل‌لرینگ یادینا،

سلام اولسون قشقایی نینگ آدینا.

در شعر «حیدر بابایا سلام»:

حیدر بابا، ایلدیریم‌لار شاخاندا،

سئل لر، سولار شاققیدایب آخاندا،

قیزلار اونا صف باغلاب باخاندا،

سلام اولسون شووکتیزه، ائلیزه،

منیم ده بیر آدیم گل‌سین دیلیزه.

اشعار عوض الله صفری کشکول‌لوعموماً بر موضوعات مربوط به فرهنگ قشقایی و ترکی، مانند زبان، تاریخ، فرهنگ، وطن و مسائل اجتماعی-سیاسی متمرکز است. زبانی که او در اشعارش به کار می‌برد، بی‌پیرایه، واضح و گیرا است. او آنچه را که می‌خواهد در اشعارش بگوید، به شیوه‌ای صریح و قاطع بیان می‌کند. نمونه‌هایی از مضامین برجسته در اشعار عوض الله صفری کشکول‌لوعبارتند از:

عشق به هویت ترکی و جهان ترک: عوض الله صفری کشکول‌لوشاعری است

که عشق عمیقی به هویت ترکی دارد. او بارها در اشعار خود بر این جنبه تأکید می‌کند. با

این احساسات، او هم به تاریخ ترکان و هم به چهره‌های بزرگ آن مانند آتایلا، آلپ ارسلان و سلیمان افتخار می‌کند.

تورکه دئیش ناپلئون، اولور اما یئیلیمز.

من، آلتای اتگیندن (اتک/دامن)، قانیمدا وار نیشانیم.

قاف داغینینگ دؤشونده، یوردوم، یووام، مکانیم.

من، آتایلا اوغلو یام، سلطان سلیمان، اوغلوم.

بیر یانیم، آلپ ارسلان، دونیادا قالخان اوغلوم.

هر گه سه اویناماز تورک، قان دنگیزینده ایزمیش.

چین دیوارین قوران لار، مندن قولاغی قیزمیش.

«ناپلئون گفته: ترک می‌میرد اما شکست نمی‌خورد.»

در خونم از دامنه‌های آلتای، نشان دارم.

وطن من، خانه من، مکان من، در سینه کش کوه قفقاز.

پسر آتایلا هستم، سلطان سلیمان پسر.

یک سویم آلپ ارسلان است، پسر م قیام کننده در جهان.

ترک برای هر کس نمی‌رقصد، در دریایی از خون شنا کرده است.

سازندگان دیوار بزرگ چین، از دستم بسیار کشیده‌اند.»

(Doğan 2020: 88-89).

عوض الله صفری کشکول‌لویه وحدت و قدرت جهان ترک اعتقاد دارد. فکر می‌کند که در صورت لزوم، شاخه‌های ترک به یکدیگر کمک خواهند کرد.

هر دؤردو، بئشی بیر یئردن آسيلمیش،
 کروانی سویولموش، یوللار بوسولموش (باسيلمیش)،
 اوچ میلیون سان قوززو، اوچ میلیون جئیران،
 شوونیسیم چنگینده یارالی آل قان.
 آما سن ییلمه یرهنگک^{۱۱} هانسی کیمسه دن،
 آیریلدینگک کؤ کونگدن بیر قولا ندن،
 اوچ میلیون باغلیدیر، بئش اوز (یوز) میلیون،
 گؤزیاشی تؤکسه ده چاتار جئیهونا.
 «هر چهار یا پنج نفرشان از یک جا به دار آویخته شده اند،
 کاروان غارت شده، جاده ها مورد حمله،
 سه میلیون بره، سه میلیون غزال،
 زخمی در جنگال فاشیسم، خونین.
 اما نمی دانی از چه کسی،
 چرا چون شاخه ای از بن جدا شدی،
 سه میلیون به پانصد میلیون نفر متصل اند،
 حتی اگر اشک بریزند، به رودخانه سیحون خواهند رسید.»
 (Doğan 2020: 234-235).

^{۱۱} bilmèyren (> bilme - «ندانستن» + - bilmèyrsen < bilmèyrsen < yr-erj) «نمی دانی».

عشق به زبان مادری: زبان از جمله مضامین مکرر در اشعار عوض الله صفری کَشکول‌لواست که به جنبه‌های مختلف زندگی او می‌پردازد. شاعر زبان خود را منبع وجود، هویت و آینده خود می‌داند؛ او آن را به عنوان قدرت بزرگی می‌بیند که در نبرد از آن استفاده خواهد کرد.

بیر جانلی میلتم، اؤزدش دیلیم وار،
آیریقسی بیر آغاج، آیری گولوم وار،
کیمسه کی دیل واری^{۱۲} هر نه سر واری،
اولوس لار ایچیند اوجه یئر واری.
دیلی کی بسله‌دنگ^{۱۳}، شیرین دانشانگ^{۱۴}،
دوشمنی دؤشونده تورانگ^{۱۵}، چالیشانگ^{۱۶}،
«من یک ملت زنده، یک زبان مستقل دارم،
درختی برجسته‌ام، گلی بی‌نظیر دارم،
آنکه زبانی دارد، همه خواست‌ها را دارست،
در میان ملت‌ها جایگاه والایی دارد.
زبانی را که پرورش داده، آن را زیبا صحبت کنید،

^{۱۲} دیلی واری (زبان دارد)

^{۱۳} بسله سن، بؤیوتسن (پرورش دادن بزرگ کردن)

^{۱۴} دانشسان (سخن بگویی)

^{۱۵} دورسان (بایستی، مقاومت کنی)

^{۱۶} چالیشان، ساواشسان (سعی کنی، بجنگی)

باشد که در برابر دشمن خود بایستید، بجنگید،

من ترک هستم، زبان من راه من، آرمان من،

هستی من، زندگی من، هویت من، شکوه من است.» (Doğan 2020: 232-233).

...

من تورکم، اؤز دایلم افتخاریمدیر،

بیر ائوره ن اونوچئر^{۱۷} ناز دیل واریمدیر^{۱۸}،

کیم دئمیش، قاشقایی دیلی محتاجیدیر،

آسلانینگ قویروغو تیلکی تاجیدیر.

«من ترکم، زبانم افتخار من است،

زبانی محبوب دارم در حد شهرت جهانی ،

چه کسی گفته که زبان قشقای نیازمند است،

دم شیر تاج روباه است.»

(Doğan 2020: 234-235).

...

کیمسه کی دانیشمیر، آلماز حقیینی،

آلسلار دیلمی، دانیشایلمم،

دیل، سان کی بیزه سؤنمز قیلجیدیر،

^{۱۷} «> ün ü-çe-z + «> ün ünüçez» به اندازه شهرت (او)».

^{۱۸} «nāz dil vārimdir (> nāz زبان ناز دارم) «زبان (عزیز، دلپذیر) دارم».

کوتالسا^{۱۹} قیلیجیم، چالیشاییلمم.

«آنکه سخن نمی گوید، نمیتواند حق خود را مطالبه نمی کند،

اگر زبانم را بگیرند، نمی توانم سخن بگویم،

زبان مانند شمشیری شکست ناپذیر است،

اگر شمشیرم کند شود، نمی توانم بجنگم.»

(Doğan 2020: 200-201).

او در برابر ترک کردن، در آستانه نابودی و بیگانه شدن با زبان مادری اش که عمیقاً به

آن وابسته است، واکنش نشان می دهد:

باریشماز دوشمن لر، دیل دوشمنیدیر،

دیلیندن قاچان تورک، ائل دوشمنیدیر،

کیمسه کی آناسی مامان سؤیله نیر،

گوزونده زعفران، سامان سؤیله نیر.

«دشمن آشتی ناپذیر، دشمن زبان است،

ترکی که از زبان خود دوری می کند، دشمن خلق است،

آنکه مادر را «مامان»^{xv} میخواند،^{۲۰}

زعفران در چشمش مانند کاه است.»

(Doğan 2020: 234-235).

^{۱۹} کوتالسا (> کوتال - «کند شدن / برعکس تیزی» + -سا) «اگر کند شود».

^{۲۰} مادر

...

آلمیشلار الیمدن نازلی دیلیمی،

دیلیم یوخ، چیغیرم دیلیم وای دیلیم،

غفلتیم داغیدمیش آغیر ائلیمی،

آیلماز یاتاقدان ائلیم وای ائلیم.

«زبان محبوبم را از من گرفته‌اند،

زبانی ندارم که فریاد بزنم، وای بر زبانم،

سهل انگاری ام قوم گرانبهایم را نابود کرده است،

ایل من از خواب غفلت بیدار نخواهد شد، وای بر ایلم.

«(Doğan 2020: 200-201).

این ابیات نیز نمونه‌های بارزی از چگونگی نگاه شاعر به زبان مادری‌اش هستند:

آداملیک نیشانی، آنا دیلیدیر،

بیر درین معنالی پیغامدیر سنه،

آی آنا دیلینی خار ائدن کیمسه،

آنانینگ آغ سودو حرامدیر سنه.

«نشانه‌ی انسانیت (موجودیت) است زبان مادری ،

این پیغامی معنادار برای شماست،

ای کسی که زبان مادری‌تان را خوار میدارید،

شیر پاک مادر تان حرام است بر شما.»

(Doğan 2020: 204-205)

میهن دوستی: قشقای‌ها، نمایندگان جنوبی ترک‌های ایران، از نظر تاریخی عنصری میهن‌پرست در کشور خود بوده‌اند. شاعر نیز این موضوع را در اشعار خود بیان کرده است:

بو ائلینگ آناسی، صولت بسله‌میش،

تاریخچاز^{۲۱} ایرانا عزت بسله‌میش.

«مادر این ایل صولت (اشاره به صولت الدوله قشقای) پرورده است،

در طول تاریخ، به ایران عظمت بخشیده است.» (Doğan 2020: 240-241).

مخالفت با پان‌فاریسیسم: عوض الله صفری کشکول‌لودر اشعار خود مکرراً به اعمال سیاست‌های پان‌فاریسیستی که مردم ترک ایران در کشورشان متحمل می‌شوند و تبعیضی که در مسائلی مانند زبان، فرهنگ و هویت با آن مواجه هستند، می‌پردازد.

مئن، اوتتوز میلیونام، ده‌لی دومرولم،

شوونیسیم باشینا گرک یومرولام،

اوچ میلیون قافلانام، سؤنمز آغیرائل،

قیر آتلی کوروغلو، اتویم چاملی‌بئل.

تور کممن، خلجم، قجر، افشارام،

سئی سان ایل اوره کده آزمیشدیر یارام،

سئی سان ایل اولموشام قاجور آماجی،

^{۲۱} تاریخچاز (<tārīḫ> "تاریخ" + -ça-z) «به درازای تاریخ (در طول تاریخ)».

سوسالمیش^{۲۲}، یوسانمیش^{۲۳}، اؤزگه محتاجی.

«من سی میلیون هستم، دلی دومرول هستم،

فایشسم را باید در هم بکوبم

من سه میلیون پلنگ هستم، ابلی شکست ناپذیر و ارجمند،

کوراوغلوی سوار بر اسبش قیرآت، خانه‌ام چاملی بئل است.

من ترکمنم، خلجم، قاجارم، افشارم،

هشتاد سال است که زخم قلبم چرک کرده است،

هشتاد سال است که هدف کرکس بوده‌ام،

ضعیف، خسته، وابسته به دیگری». (Doğan 2020: 232-233)

عوض الله صفری کشکول‌لویا رویکرد به پدیده‌های اجتماعی-سیاسی از منظر ترکی،

تحریفات ایدئولوژی پان‌فارسی را افشا می‌کند.

ایندی کی غززه عربدیر، قاراباغ تورک ائویدیر،

غزه بیزدن، قاراباغ یوخ؟ بو بنا ده بیشه‌سی.

«حال که غزه عرب است، قره‌باغ خانه‌ی ترک‌ست،

غزه خانه‌ی ماست، اما قره‌باغ نه؟ این ساختار (ذهنیت) را تغییر باید.» (Doğan 2020:

||| ||| ||| ||| |||

^{۲۲} susalmış (> susal- «ضعیف شدن» + miş-) «ضعیف شده است».

^{۲۳} yosanmış (> yosan- «خسته» + miş-) «خسته شده است».

عوض الله صفری کشکول‌لواز این واقعیت که با مردم قشقایی در سرزمین خودشان مانند مطرودین رفتار می‌شود، ابراز تاسف می‌کند. به نظر او، قشقایی‌ها همانطور که تاریخ گواهی می‌دهد، به کشور خود وفادارند. او شکایت دارد که با وجود این، تلاش‌هایی برای نابودی مردمش صورت می‌گیرد.

بیز کی بیر میللت ایدیک، نییچی سنه وار منه یوخ،

بو یولاق هنج باشا وورماز، قوی یانا، ده‌یشیله‌سی.

بیز کی قارداشلیغیمیز ثابت اولوبدور وطنه،

وطن اما منی گور، ائددی فنا، ده‌یشیله‌سی.

«ما یک ملت بودیم، چرا برای تو هست و برای من نه؟»

این راه به جایی نمی‌برد، آن را کنار بگذار، تغییر باید

ما، که برادری‌مان برای وطن ثابت شده است،

اما مرا وطن هیچ حساب کرده، تغییر باید» (Doğan 2020: 280-281)

آرزوی آزادی: وضعیت مردم قشقایی در ایران امروزی از نظر عوض الله صفری کشکول‌لوا اینگونه است:

آرخاسیندا توزلو بیر چؤل، اوردا دؤرد میلیون یتیم،

قول‌لاریندا باغلی زنجیر، باش‌لاری داردا چکه.

«پشت سرشان بیابانی غبار آلود، چهار میلیون یتیم آنجا هستند،

زنجیر به دست و سرها به دار.» (Doğan 2020: 277-278)

در اشعار، پرندگان bayquş ~ bayqı «جغد» و laçın «شاهین» مکرراً به عنوان نماد استفاده می‌شوند. عموماً bayğu ~ bayğı «جغد» با ذلت، laçın «شاهین» مترادف با قشقایی‌ها، با آزادی و اصالت مرتبط است.

عؤمرو، صرف ائدمه اوولادما،

لاچین اولماز، چؤل بایقی سی،

بیلن لره ده یهر وئر تا،

یانایلمزلر باغریسی.

«زندگی‌ات را هدر نده، صرف نکن،

شاهین نخواهد شد، جغد صحرایی،

برای دانایان ارج قائل شو،

تا نسوزد دل‌هایشان». (Doğan 2020: 254-155)

...

بیر قاناتی سینیق لاچین،

کی قفسده دوسساغی دیر^{۲۴}،

بو حالیندا اینانما کی،

یئری قارقا بوجاغی دیر.

بیر قاناتی سینیق لاچین،

لاچین لاردان قالمیش اولسا،

^{۲۴} dutsağ) dussağıdır «اسیر» (زندانی، اسیر».

همنشین اولماز^{۲۵} وایقوشا،

آنادان درس آلمیش اولسا.

«شاهین بال شکسته،

زندانی در قفس،

باور مکن،

جایش میان کلاغ‌هاست.

شاهین بال شکسته،

اگر در میان شاهین‌ها بماند،

با جغد دوست نخواهد شد،

اگر درس از مادر گرفته باشد». (Doğan 2020: 162-163)

عناصر فولکلور: عوض الله صفری کشکول‌لویا مهارت از عناصر فولکلور مانند ضرب المثل ها و چیستان ها در اشعار خود استفاده کرده است. به عنوان مثال، در بیت زیر، او از ضرب المثلی استفاده کرده است که در متون آناتولی به صورت «گنچه نامرد کؤپروسوندن قو گؤتورسون سئل سنی یا دا گنچه نامرد کؤپروسوندن قوی گؤتورسون سو سنی؛ یاتما تیلکی کؤلگه‌سینه، داها ایی آسلان پارچالاسین سنی» // «از پل نامردان عبور نکن، بگذار سیل تو را ببرد، یا از پل نامردان عبور نکن، بگذار آب تو را ببرد؛ در سایه روباه نخواب، بهتر است که شیر تو را از هم بدرد» و در متون آذربایجانی به صورت ^{xvi}، «مخنت کؤرپوسیندن کنچمکدن، سویا بوغولماق یئی دیر» (Çobanoğlu 2004: 262) آمده است.

سئل آپارسا منی گنچه‌م ناکسینگ کؤرپوسونه،

^{۲۵} همنشین اولماز (> فارسی ol + hem-niṣīn - «بودن» + maz-) «نمی‌تواند همنشین باشد».

تیلکی دالاسینا یا تمام قوی منی آسلان اوتا.

«حتی سیل اگر مرا با خود ببرد، از پلِ ناکس نخواهم گذشت،

در لانه‌ی روباه نخواهم خوابید، حتی اگر شیری مرا ببلعد». (Doğan 2020: 268-269).
این ابیات شامل معمای قشقای است که می‌گوید: «من شب نخود کاشتم، اما وقتی به سپیده دم نگاه کردم، نخودها تمام شده بودند» (پاسخ: ستاره‌ها):

عمه جهان باشیم آلدی دؤشونه،

ال چکدی باشیم بئله باشلادی،

دئدی: قوززوم، زندگانلیق^{۲۶} بیر بئله سان ییلمه‌دیر:

گنججه اکدیم نوخودو، سحر باخدیم یوخ اودو،

آیا باخ، اولدوز باخ.

«عمه جهان سرم را به سینه‌اش چسباند، دستش را روی سرم گذاشت و این‌طور شروع کرد: عزیزم، زندگی را باید به عنوان یک نشانه این‌طور فهمید: شب کاشتم نخود را، صبح دیدم، نخودها نیستند، به ماه نگاه کن، به ستاره‌ها نگاه کن». (Doğan 2020: 318-319)

شاعران نامدار قشقای، با ویژگی‌های برجسته‌شان، موضوع اشعار عوض الله صفری کشکول‌لوی بوده‌اند. داستان عشق افسانه‌ای شاعری که با نام‌های مستعار ماذون و یوسف خسرو (یوسف علی بیگ) شناخته می‌شود و دختری به نام سلطان که سرچشمه این عشق بوده است، نمونه‌ای از این موارد است.

آغیر ائل یثرلیدیر، هئچدن وار اولور،

^{۲۶} zindegānlik (> فارسی zindegān «زنده» + lik) «زندگی».

مأذونونگک باش سؤزو آشکار اولور،

چالخانیر چالخانیر برقرار اولور،

ترپنمز اوره گیم دؤش داغیندا هئج.

«ایل گرانها اهل محل است، از هیچ به وجود می آید،

کلمات اصلی مأذون آشکار می شوند،

موج می زند و موج می زند و سپس آرام می گیرد،

دلم نمی تپد هیچ در کوه سینه ام.» (Doğan 2020: 176-177).

...

اولاردیم یوسف خسرو کیم عاشیق،

سنی قوشمالارا سلطان اندردیم.

«عاشقی چون یوسف خسرو می شدم،

تو را سلطان بر اشعار می کردم.» (Doğan 2020: 243-244).

پرستش کوه جایگاه مهمی در باورهای اسطوره‌ای ترکان دارد. مشاهده می‌شود که کوه‌های مناطق مسکونی ترکان ایرانی از طریق ستایش آنها در دنیای شاعرانه عوض الله صفری کشکول‌لونیز منعکس شده‌اند. در واقع، تپه "یتیم یال" باید در این زمینه ارزیابی شود. علاوه بر این، کوه‌هایی مانند دنا، هلیگان^{xvi i}، سوموروم^{xvii i}، سورمه/سر مه^{xi x}، چارکوه^{xx} در مناطق قشقای و دماوند، ساوالان و سهند در آذربایجان بارها در اشعار ذکر شده‌اند. در اینجا نمونه‌ای از این الگو در اشعار آورده شده است:

اثل آناسی آند اولسون، اؤز باشینگا،

طاقتیم یوخ، گوزوم دوشه یاشینگا،

جانیم قوربان اولسون قلم قاشینگا،

دماوندیم، سهندیم سن، دنام سن،

جئیرانیم سن، ترلانییم سن، سونام سن.

« مادر ایلم ، قسم به به سرت،

طاقت ندارم، چشمانم برایت اشک بریزند،

جانم فدای ابروی چون قلم تو باد،

دماوند منی، سهند منی، تو دنا منی،

تو غزال منی، تو ترلان^{۲۷} منی، تو قوی منی.»

ترکی ترکیه: عوض الله صفری کشکول‌لو شاعری است که فرهنگ ترکی ترکیه را

به دقت دنبال می‌کند و آن را در جهان‌بینی خود جای داده و از آن به عنوان الگو استفاده

می‌کند. این ویژگی شاعر در گنجاندن کلماتی از فرهنگ ترکی ترکیه در واژگانش مشهود

است. نمونه‌هایی از این کلمات عبارتند از: anlam «معنی»، batı «غرب»، doğu «شرق»،

toplum «جامعه» و غیره.

^{۲۷} کلمه «طرلان» (یا ترلان) در زبان‌های ترکی به نوعی پرندۀ شکاری از خانواده بازان (شهباز یا باز

سفید) گفته می‌شود. این واژه همچنین به عنوان نامی زیبا برای انسان‌ها به کار می‌رود.

منابع:

- AKSOY, A. (1987) *Kutlu Töre*. İstanbul: İrfan Yayıncılık.
- ALBAYRAK, R. (2013) *Türklerin İrani-Yakın Gelecek 2*. Ankara: Berikan Yayınevi.
- ALIŞIK, G. S. (2002) Azerbaycan Türkçesi. *Türkler*, (ed. H. C. GÜZEL, K. ÇİÇEK, S. KOCA,) C 19, Ankara, 227-243.
- ATAİZİ, D. E. (2017) *Kaşkay Türklerinin Dili*. Ankara: TDK Yayınları.
- ATICI, A. (2021) *İsa Rahmani (Doğanlı)'nın Kaşkay Türkçesi Tercüme Eseri Kumbuca Paşa (Küçük Prens)*. *Giriş-İnceleme-Metin-Dizin*. Çanakkale: Paradigma Akademi Yayınları.
- BOESCHOTEN, H. (1998) The speakers of Turkic languages. (ed. É. CSATÓ, L. JOHANSON), *The Turkic Languages*, London, New York: Routledge, 1-16.
- CAFEROÇLU, A. ve DOERFER, G. (1959) Das Aserbeidschanische. *Philologiae Turcicae Fundamenta*, (ed. Jean DÉNY et al.), Wiesbaden, 280-307.
- CSATÓ, É. Á. (2001) Present in Kashkay. *Turkic Languages* 5, 104-119.
- ÇELİK, M. (2014) *Kaşkay Türkçesi Metinleri (Giriş-Metinler-Seçme Sözlük-Ekler)*. Ankara: Gece Kitaplığı.
- ÇELİK, M. ve DURUKOÇLU, G. (2016) *Ma'zun. Şiirler (Kaşkay Türkçesi)*. *Giriş-İnceleme-Metin-Sözlük-Tıpkıbası*. Ankara: TDK Yayınları.
- ÇELİK, M. (2020) *Kaşkay Türkçesi Grameri*. Ankara: Gazi Kitabevi.
- DOERFER, G. (1987) İran'da Türkler. *Türk Dili Dil ve Edebiyat Dergisi*, Kasım, C LIV, S 431, 242-251.
- DOERFER, G. (2006) Irano-Turkic. *Turkologiya* 62 (ed. Lars JOHANSON ve Christiane BULUT). Wiesbaden: Harrossowitz, 93-113.
- DOĞAN, T. (2020) *Kaşkay Türkçesi Üzerine Bir İnceleme. Evezullah Seferi Keşköllu Yettim Yal (Yetim Tepe)*. *Giriş-İnceleme-Metin-Aktarma-Dizin*. Konya: NEÜ Yayınları.
- DOĞAN, T. (2022) Kaşkay Türkçesinin Türk Dili Alanındaki Yeri. *Modern Türklük Araştırmaları Dergisi*, C 18, S 2, Haziran, 167-201.
- DOLATKHAH, S. (2010) The Kashkay People, Past and Present. *Bilig*, Spring, 53, 103-114.
- DOLATKHAH, S. (2016) The Qashqay and Their Language. *Tehlikedeki Türk Dilleri II A: Örnek Çalışmalar*, (ed. Süer EKER & Ülkü Çelik ŞAVK), C 2, Ankara/Astana, 455-484.
- DOULATABADİ, F. (2017) *Kaşkay Türklerinin Edebiyatı*. Ankara: TDK Yayınları.
- ERCİLASUN, A. B. (2020) *Türk Dili Temel Kitabı. Herkes için Türk Dili*. Ankara: TKAE Yayınları.
- ÉYVEZİ YADIKURI, C. (2015) *Mêzun Qaşqayı Şi'irleri*. Şiraz. İrem-i Şiraz Yayınları
- GÖKDAÇ, B. A. (2006) *Salmas Ağzı. Güney Azerbaycan Türkçesi Üzerine Bir İnceleme*. Çorum: Karam Yayınları.

ⁱ فراش آباد. [فَرَّ را] (اخ) موضعی است در فارس. پیرنیا نویسد: در یک وادی در سه منزلی فیروزآباد (فارس) از طرف غرب بنای کوچکی است که خیلی خراب شده و به واسطه همین دو جهت مورد توجه زیاد نیست ولی گنبد آن قابل توجه و دقت است زیرا روی چهار جرز قرار گرفته و این جرزها را اتاقهایی به هم پیوسته است. این گنبد در فن معماری مرحله ای را نشان میدهد که فن طاق زنی از آن و چند مرحله دیگر گذشته تا به شکل مدور درآمده است.

ⁱⁱ طایفه عمله بزرگ‌ترین و مهم‌ترین طایفه ایل قشقایی است. این طایفه حدود ۱۵۰ سال پیش توسط مرتضی‌قلی خان قشقایی (ایل بیگی) شکل گرفت. دین ترتیب که از میان ۶۰ هزار خانوار قشقایی، دو هزار خانوار را که از نظر مالی بالاتر از دیگران بودند انتخاب کرده و آنها را عمله نامید و از این دو هزار خانوار ۲۰۰۰ نفر مسلح، زبده و آماده تدارک دید که گارد جاویدان قشقایی نام داشت. هدف از تشکیل آن، ایجاد یک واحد اداری و اجرایی مستقیم زیر نظر ایلخان بود تا دستورها را اجرا کنند.

ⁱⁱⁱ اصطلاح «لهجه ترومن» به گویش‌های ترکی ترکمنی اشاره دارد که بر اساس موقعیت جغرافیایی و قبایل متفاوت هستند. زبان ترکمنی به قبایلی مانند یموت، تکه، ارساری، ساریک و سالیق تقسیم می‌شود.
^{iv} نازال "ن" یا نون صغیر که صدای "نگ" یا "نق" میدهد. /مترجم در این مورد مقاله ای به زبان آذربایجانی نوشته است. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

https://aliardi.com/assets/PDF/اونودولموش_سس.pdf

^v در زبان ترکی، -layin (یا -leyin) یک پسوند اشتقاقی قدیمی است که معانی «مانند»، «مشابه» یا «زمان» را به کلماتی که به آنها می‌چسبد اضافه می‌کند. در زندگی روزمره، این پسوند بیشتر در قیدهای زمان مانند «akşamleyin» (در عصر) یا «geceleyin» (در شب) یا در ادبیات عامیانه در مثال‌هایی مانند «bencileyin» (مانند من) دیده می‌شود.

^{vi} طبق قواعد دستور زبان استاندارد ترکی و کاربرد رایج در اول شخص مفرد، صرف فعلی فعل امری به شرح زیر است: اول شخص مفرد (من): Gez-e-m (بگذار گردهم) دوم شخص مفرد (تو): Gez-e-sin (بگذار بگردی) سوم شخص مفرد (او/او/آن): Gez-e

^{vii} این پسوند، یک پسوند قیدی برای ساخت وصفی است که نه در ترکی استاندارد، بلکه در گویش‌های تاریخی و شمال شرقی/جنوب غربی ترکی مانند قشقایی، جغتایی، خراسان و ترکی ترکمنی یافت می‌شود. وظیفه اصلی آن نشان دادن محدودیت زمانی عمل مشخص شده در فعل است ("incaya / -inceye kadar" به معنی «تا»).

^{viii} در دستور زبان، پسوند حالت مفعولی -X(y) برای نشان دادن اسمی که مفعول عمل است و مستقیماً تحت تأثیر عمل در فعل قرار می‌گیرد، استفاده می‌شود. در گویش‌های ترکی مانند ترکی و قشقایی، این پسوند کلمه را به سوالات "چه" و "چه کسی" پاسخ می‌دهد. بر اساس هماهنگی مصوت‌ها، این پسوند به شکل‌های -a, -i, -ü, -u و با صامت پیوند دهنده -yü, -yu, -yi, -yü- در می‌آید. (در جواب مثلاً نه یی؟ کیمی؟ و... بکار برده می‌شود)

^{ix} -Ayor ~ (X)yor یک پسوند زمان حال در ترکی است که نشان می‌دهد عملی اکنون، در لحظه صحبت کردن، در حال انجام است. طبق قانون کاهش مصوت، در افعالی که به مصوت پهن و مسطح (e, a) ختم می‌شوند، پسوند به -iyor, -uyor, -üyor یا در زبان محاوره به -iyor, -ayor محدود می‌شود. ^x در دستور زبان، فعل مرکب (که به عنوان فعل مرکب صرف شده نیز شناخته می‌شود) به اعمالی اشاره دارد که بیش از یک پسوند زمان (یا پسوند زمان/شکل) در ریشه یا بن فعل دارند. این ساختار معمولاً با فعل اصلی که ابتدا یک پسوند زمان می‌گیرد و به دنبال آن یک فعل کمکی (-ise, -imiş, idi-) می‌آید، تشکیل می‌شود. مثال‌ها عبارتند از: فعل روایی Gel-iy-di: (-idi) (او/او می‌آمد) (زمان حال روایی). فعل نقلی (-ise) Gel-ecek-miş: imiş) (او/او قرار بود یا در نظر داشت بیاید) (زمان آینده نقلی). فعل شرطی (-ise) Gel-se-ydi / Gel-di-yse (زمان گذشته شرطی).

^{xi} پسوند -er / -ar یکی از پسوندهای اساسی زمان حال است که نشان می‌دهد عمل همیشه، در هر لحظه یا به طور مکرر انجام می‌شود. عبارت "پسوند زمان اول" نشان می‌دهد که این اولین پسوند صرفی است که بلافاصله پس از ریشه فعل، یعنی قبل از پسوند شخصی می‌آید. برای مثال: Yaz-ar-ım: Yazar: (فعل + پسوند زمان [ar-] + پسوند شخصی [-im]) Güler: Gül-er (شکل er- را مطابق با هماهنگی مصوت‌ها می‌گیرد) ^{xii} پسوند منفی یک فعل مرکب معمولی نشان می‌دهد که فرد قادر به انجام عملی نیست یا قادر به انجام آن نخواهد بود. قانون "-ebilmek" در توانایی مثبت شکسته می‌شود، قسمت "-bil" حذف می‌شود و "-ma/-me" به جای آن اضافه می‌شود، در حالی که صدای "a/-e" بین آنها حفظ می‌شود. برای مثال: Yaz-a-ma-mak (من نمی‌توانم چنین متن طولانی را در یک روز بنویسم). Gör-e-me-mek (من نمی‌توانم ببینم): او نمی‌توانست جزئیات کوچک را در تاریکی ببیند. Gel-e-me-mek (من نمی‌توانم بیایم): متأسفانه، نمی‌توانم به جلسه فردا بیایم.

^{xiii} نقش پسوند وصفی -dik به عنوان اسم عمل به این معنی است که فعل به جای اینکه به عنوان صفت استفاده شود، مانند یک اسم مصدر (-mak, ma-) عمل می کند و به نام یا حالت یک عمل اشاره می کند. در این کاربرد، فعل به نام یک مفهوم یا رویداد تبدیل می شود. جمله مثال: در جمله "بورالارین تمیزلندیغینی هئج گورمه دیم" / «من هرگز ندیده ام که این مکان ها تمیز شوند»، پسوند -diği به عنوان نام عمل / حرکت تمیز کردن عمل می کند.

^{xiv} منطقه یا همان دهستان هنگام در بخش مرکزی شهرستان قیر و کارزین، شهرستان قیر و کارزین یکی از شهرستان های استان فارس است و مرکز آن شهر قیر می باشد. این شهرستان از شمال و شرق با شهرستان های جهرم و فیروزآباد، از شمال غرب و غرب با فراهیند، از جنوب . جنوب شرق با شهرستان های لارستان و خنج همسایه است..

^{xv} کلمه «مامان» ریشه ای فرانسوی دارد و در زبان های زیادی به صورت کودکانه برای صدا کردن مادر به کار می رود. این واژه از طریق زبان های اروپایی وارد زبان فارسی عامیانه شده است.

^{xvi} گنچه نامرد کورپوسوندن، قوی آپارسین سئل سنی. ساتما تولکو دالدا سیندا قوی یشین آصلان سنی
^{xvii} رشته کوه هلیگان در جنوب استان فارس، در محدوده **شهرستان قیر و کارزین** قرار دارد و جلوه ای زیبا به روستاهایی مانند تنگ رود (تنگ روئین) بخشیده است.

^{xviii} بخش هایی از رشته کوه معروف دنا و قله های بلندی مانند قاش مستان در محدوده شهرستان سمیرم واقع شده اند. به نظر میرسد منظور نویسنده این باشد.

^{xix} کوه سرمه (یا کوه سورمه) در **استان فارس**، در فاصله حدود ۵۰ کیلومتری جنوب شهر فیروزآباد و در محدوده میان شهرستان های قیر و کارزین و فراهیند واقع شده است

^{xx} نام «چهارکوه» بیشتر به عنوان یک نشان جغرافیایی محلی یا منطقه عشایری شناخته می شود، یک کوه منفرد این نام ثبت نشده است. با این حال، سه نقطه مشخص در استان فارس با این نام ارتباط دارند: ۱. دشت و منطقه عشایری چهارکوه (شهرستان زرین دشت) اصلی ترین نقطه ای که در تقسیمات و تعاونی های استان فارس به این نام ثبت شده، دشت چهارکوه در بخش دبیران شهرستان زرین دشت است. این منطقه یک استقرارگاه و مرتع برای جامعه عشایری استان فارس به شمار می رود .